

ساخت نسخه فارسی آزمون شنوایی دایکوتیک برگن و گزارش نتایج مقدماتی آن در بزرگسالان هنجار

زهرا جعفری^۱، ریحانه توفان^۲، مریم آقاملایی^۲، سعید ملایری^۳، شادی رحیم‌زاده^۴، مهدیه اسماعیلی^۴

^۱ - گروه علوم پایه توانبخشی، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

^۲ - گروه شنوایی‌شناسی، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

^۳ - گروه شنوایی‌شناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران

^۴ - گروه مدیریت توانبخشی، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: گوش دادن دایکوتیک به معنای ارائه دو محرک شنوایی متفاوت، به‌طور هم‌زمان به هر یک از گوش‌هاست. در مطالعه حاضر، ضمن ساخت نسخه فارسی آزمون شنوایی دایکوتیک برگن، نتایج مقدماتی آن در زمینه توجه شنیداری و برتری طرفی زبان در بزرگسالان با شنوایی هنجار گزارش شد.

روش بررسی: نسخه فارسی آزمون شنوایی دایکوتیک برگن با استفاده از شش هجای با بافت هم‌خوان‌واکه برای بررسی سه وضعیت عدم اعمال توجه، توجه به راست و توجه به چپ به‌طور جداگانه، تهیه شد. سپس، این آزمون روی ۵۴ جوان راست دست با شنوایی هنجار از دو جنس با میانگین سنی ۲۳/۲۴ و انحراف معیار ۲/۷۸ سال اجرا شد.

یافته‌ها: در دو وضعیت عدم اعمال توجه و توجه به راست، فراوانی پاسخ درست در گوش راست به‌ترتیب ۸۳/۳ و ۹۸/۱ درصد، و در وضعیت توجه به چپ، فراوانی پاسخ درست در گوش چپ معادل ۷۹/۶- درصد، به میزان معنی‌داری بالاتر بود ($p < 0.0001$). شاخص برتری طرفی در وضعیت عدم اعمال توجه ۳۱/۳۳، توجه به راست ۷۲/۳۰ و توجه به چپ ۳۷/۵۰ درصد بود و بین آنها اختلاف معنی‌داری وجود داشت ($p < 0.0001$).

نتیجه‌گیری: در وضعیت بدون اعمال توجه، برتری گوش راست مشاهده شد که مقدار آن به‌نحو چشمگیری از توجه انتخابی به راست و چپ، در اثر دخالت پردازش بالا به پایین قشر مغز بر پردازش پایین به بالای محرک، متأثر شد. این نتایج مقدماتی، نشان‌دهنده کارایی آزمون شنوایی دایکوتیک برگن در بررسی توجه شنیداری و برتری طرفی زبان است.

واژگان کلیدی: شنوایی دایکوتیک، توجه تقسیم‌شده، توجه انتخابی، برتری گوش راست، پردازش بالا به پایین

(دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۲۲، پذیرش: ۹۱/۶/۲۶)

مقدمه

در تعریف، توجه به توانایی محدود کردن سقف پردازش اطلاعات در هر زمان گفته می‌شود. توجه مکانیزمی است که تحت کنترل مجری مرکزی (Central executive system: CES) قرار دارد، و به‌واسطه آن فرد می‌تواند هر زمان به‌طور انتخابی بر بخش محدودی از اطلاعات تمرکز کند (برای مثال در حذف نویز زمینه به‌هنگام درک گفتار). آزمون شنوایی دایکوتیک برگن

در تعریف، توجه به توانایی محدود کردن سقف پردازش اطلاعات در هر زمان گفته می‌شود. توجه مکانیزمی است که تحت کنترل مجری مرکزی (Central executive system: CES) قرار دارد، و به‌واسطه آن فرد می‌تواند هر زمان به‌طور انتخابی بر بخش محدودی از اطلاعات تمرکز کند (برای مثال در حذف نویز زمینه به‌هنگام درک گفتار). آزمون شنوایی دایکوتیک برگن

نویسنده مسئول: تهران، بلوار میرداماد، میدان مادر، خیابان شهید شاه نظری، کوچه نظام، دانشکده توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، گروه علوم پایه

توانبخشی، کد پستی: ۱۳۴۸۷-۱۵۴۵۹، تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۸۰۵۱-۲، E-mail: z_jafari@tums.ac.ir

شنوایی دایکوتیک برگن در شرایط بالینی و در تحقیقات، تاکنون نسخه فارسی این آزمون در ایران ساخته نشده و مورد مطالعه قرار نگرفته است، در مطالعه حاضر ساخت نسخه فارسی این آزمون و بررسی تأثیر توجه و برتری طرفی شنوایی بر نتایج آن مورد هدف بوده است.

روش بررسی

مطالعه حاضر در دو مرحله انجام شد. نخست تهیه مواد آزمون و ساخت نسخه فارسی آزمون شنوایی دایکوتیک برگن انجام شد و سپس آزمون تهیه شده روی ۵۴ فرد جوان راست‌دست با شنوایی هنجار از دو جنس و با سطح تحصیلات کارشناسی و کارشناسی‌ارشد اجرا شد.

الف) مرحله ساخت آزمون: در تهیه نسخه فارسی آزمون (همچون نسخه اصلی آن به زبان نروژی)، از شش همخوان انسدادی /k, t, p, g, d, b/ به همراه واژه /a/ برای ساخت جفت‌های هجایی با الگوی CV به صورت /با-گا/، /تا-کا/، و غیره استفاده شد. با توجه به وجود تفاوت‌هایی در تلفظ الگوی CV نسخه اصلی آزمون با زبان فارسی و به توصیه سازنده اصلی آزمون، ساخت آزمون با تلفظ یک گوینده فارسی‌زبان ساخته شد با در نظر گرفتن کلیه ترکیبات هجایی ممکن، ۳۶ جفت دایکوتیک شامل شش جفت با دو هجای یکسان (مانند /با/ و /با/) وجود داشت که به هنگام اجرای آزمون از جفت‌های با هجای یکسان، به‌عنوان مواد آزمون تمرینی برای آشنایی افراد با روند ارزیابی، استفاده شد و این جفت‌ها در تحلیل آماری شرکت داده نشدند. هر جفت CV سه مرتبه روی CD ضبط شد، و براساس آن سه نسخه از آزمون شامل ۳۶ جفت اولیه با ارائه‌های تصادفی متفاوت، مطابق با نسخه اصلی تهیه شد. بنابراین، تعداد کل جفت‌های روی CD ۱۰۸ (۳×۳۶) مورد بود. این ۱۰۸ جفت‌ها، سه مجموعه ۳۶ هجایی را تشکیل می‌دهند که هر مجموعه برای یکی از سه وضعیت آزمایشی شامل بدون اعمال توجه (non-forced attention: NF)، توجه به راست (forced right: FR)، و توجه به چپ (forced left: FL) استفاده می‌شود. هجاهای مورد

تفکیص توجهی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است (۱). در این آزمون، دو نوع توجه تقسیم‌شده (divided attention) توانایی تقسیم توجه بین دو یا چند محرک هدف رقابتی و توجه انتخابی (selective attention)، و توانایی توجه به محرک هدف در حضور یک یا چند محرک رقابتی مورد بررسی قرار می‌گیرد (۲). برگردان این آزمون به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، و کلیه زبان‌های اسکانديناوی، به‌جز ایسلندی، در دسترس است (۱).

گوش دادن دایکوتیک (DL: dichotic listening) به‌معنای ارائه دو محرک شنوایی متفاوت، یکی به گوش راست و دیگری به گوش چپ به‌طور هم‌زمان است. در عصب‌روانشناسی (نوروسایکولوژی) و علوم اعصاب شناختی (نوروساینس)، DL روش ساده‌ای برای مطالعه عدم تقارن مغز در پردازش محرک‌های آوایی است (۳). در این روش برای مثال هجای /ba/ به گوش راست و هجای /da/ به گوش چپ فرستاده می‌شود، و فرد باید هر بار به محرکی اشاره کند که آن را بهتر دریافت کرده است. معمولاً محرک‌ها را از طریق رایانه ارائه می‌کنند تا بین کانال‌های خروجی، هم‌زمانی مطلوبی وجود داشته باشد. بنابراین، ویژگی اصلی آزمایش دایکوتیک این است که در آن، در هر لحظه اجزایی برای پردازش به مغز ارائه می‌شود که بیش از حد توان آن است، یعنی اجزای تحریکی ارائه شده در یک زمان، بیش از آن چیزی است که در وضعیت هوشیار توسط مغز قابل تحلیل است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که سازوکار انتخاب عناصر یا اجزای تشکیل‌دهنده محرک ارائه شده چگونه است؟ نتایج به‌دست آمده از افراد هنجار راست‌دست، مؤید برتری گوش راست است، به این معنا که تعداد پاسخ‌های درست از گوش راست نسبت به گوش چپ بیشتر است. در DL، برتری گوش راست به عملکرد تخصصی نیمکره چپ برای زبان اشاره دارد (۴ و ۳). از روش DL در حیطه روان‌شناسی عصبی بزرگسالان و کودکان استفاده شده است، و اولین تلاش‌ها در این زمینه توسط Kimura و Bryden انجام شده و استفاده‌های اخیر از آن در هر دو علوم پایه مغز و در شرایط بالینی بوده است (۱۰-۵).

با توجه به این که علی‌رغم مقبولیت و کاربرد رایج آزمون

جراحی مغز، مصرف داروهای اعصاب و روان گردان و ابتلا به صرع، از دیگر معیارهای ورود به مطالعه بود.

جمع‌آوری داده‌ها بر اساس یک روش یکسان، شامل سه دستورالعمل با میزان توجه متفاوت (۱) بدون اعمال توجه (NF)، (۲) توجه به راست (FR) و (۳) توجه به چپ (FL) بود. نخست در وضعیت NF به فرد توضیح داده شد که ارائه‌های تکراری از شش هجای با الگوی CV (با، دا، گا، پا، تا، کا) را در سطح راحت شنوایی خواهد شنید، و او باید پس از هر ارائه، هجای شنیده شده را تکرار کند. همچنین به وی گفته می‌شد که گاهی اوقات به‌نظر می‌رسد دو محرک به‌طور هم‌زمان شنیده می‌شوند و در این‌حالت جای هیچ نگرانی وجود ندارد، و او باید هجایی را که بهتر شنیده است تکرار کند. به افراد مورد مطالعه گفته می‌شد که به محرک‌های آزمون (هجاهای بی‌معنی) فکر نکنند، و پس از هر ارائه، آنچه را که شنیده‌اند تکرار کنند. پیش از شروع آزمون توصیه می‌شد که در هر ارائه، تنها باید به یک هجا اشاره کنند، صرف نظر از این‌که یک یا دو هجا شنیده باشند. در دو وضعیت توجهی FR و FL نیز خواسته می‌شد هنگام ارائه محرک‌های دایکوتیک، توجه خود را به گوش راست یا گوش چپ متمرکز کنند و هجای شنیده شده را تکرار نمایند. در هر سه وضعیت، با توجه به این‌که محتوای مواد آزمون در اختیار آزمونگر بود، مشخص می‌شد که پاسخ فرد در هر آیتام از کدام گوش شنیده شده است و بنابراین در پایان هر اجرا امکان تعیین درصد پاسخ‌های درست به‌تفکیک گوش راست و گوش چپ و تعیین برتری گوش‌ها در هر وضعیت وجود داشت. برای آشنایی بیشتر خوانندگان با نحوه اجرا و امتیازدهی آزمون شنوایی دایکوتیک برکن، پاسخ‌نامه آزمون پیوست شده است.

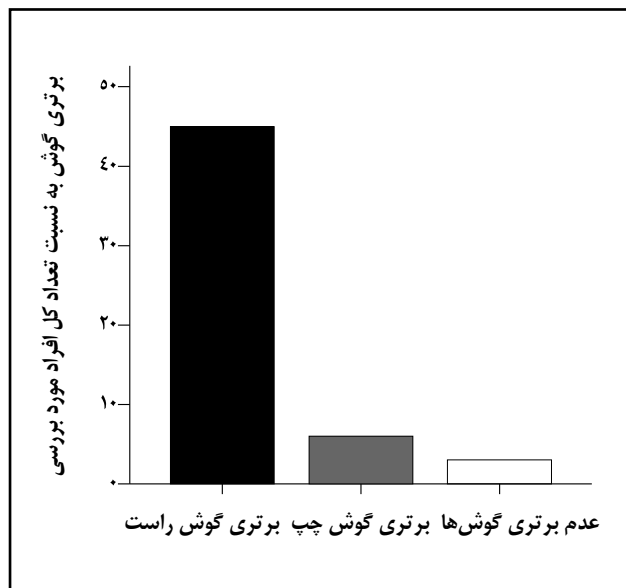
در بررسی حاضر با استفاده از فرمول $100 \times \frac{\text{Lear}}{\text{Rear} + \text{Lear}}$ مقدار شاخص برتری طرفی (laterality index: LI) برای هر فرد به‌طور جداگانه محاسبه شد. مقدار مثبت این شاخص به برتری گوش راست و مقدار منفی آن به برتری گوش چپ اشاره دارد (۱). در این فرمول Rear امتیاز توجه به گوش راست یا همان FR، و Lear امتیاز توجه به گوش چپ یا همان FL است.

استفاده در آزمون، توسط یک گوینده مرد، با لحن و شدت یکسان خوانده و ضبط شد. متوسط زمان ارائه هر هجا تقریباً ۴۰۰-۳۵۰ میلی‌ثانیه، و فاصله زمانی بین جفت‌هجاها چهار ثانیه بود. ضبط صوتی هجاها از طریق یک میکروفن انجام شد، و برای امکان انجام ویرایش رایانه‌ای، مواد آزمون روی رایانه‌ای مجهز به برد شنوایی استاندارد، دیجیتالی شد. سپس، برای هم‌زمان‌سازی زمان ارائه هر دو هجای تشکیل‌دهنده یک جفت CV، از نرم‌افزار cool-edit استفاده شد. نسخه نهایی آزمون روی لوح فشرده ضبط شد و از طریق CD گردان، قابل اجرا بود. کلیه مراحل ضبط محرک‌ها و ساخت آزمون، در یکی از استودیوهای معتبر رادیو صورت گرفت.

ب) مرحله اجرای آزمون: برای ورود افراد به مطالعه، نخست آستانه‌های شنوایی تن‌خالص در هشت فرکانس ۲۵۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰، ۴۰۰۰، ۵۰۰۰ و ۸۰۰۰ هرتز در دو گوش تعیین شد، و افراد راست‌دست از دو جنس شامل ۲۴ مرد و ۳۰ زن با میانگین سنی ۲۳/۲۴ و انحراف‌معیار ۲/۷۸ سال (محدوده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال) با اختلاف آستانه پنج دسی‌بل یا کمتر بین دو گوش در هر یک از فرکانس‌های ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰ و ۵۰۰۰ هرتز و با امتیاز بازشناسی واژه هنجار (بهتر از ۸۰ درصد)، در صورت برخورداری از نتایج ارزیابی ایمیتانس و معاینه اتوسکپی هنجار، در مطالعه وارد شدند. ادیومتری ایمیتانس با دستگاه Intracoustic AZ26 انجام شد و افرادی که مقادیر حجم مجرای گوش (۲-۹/۰ cc)، قله ادیمیتانس آکوستیک (۱/۵-۲/۰ mmho)، پهنای تمپانوگرام (۱۲۵-۳۵ dapa) و فشار قله تمپانوگرام (± 50 dapa) آنها در محدوده هنجار قرار داشت (۲)، و رفلکس‌های همان‌سوایی و دگرسوایی آنها در چهار فرکانس ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰۰ و ۴۰۰۰ هرتز ثبت شده بود، در مطالعه شرکت داده شدند. نمونه‌گیری از بین افراد در دسترس و مایل به شرکت در بررسی، در بهار و تابستان سال ۱۳۹۰ در دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد. تأکید بر محدوده فرکانسی ۴۰۰۰-۵۰۰ هرتز در معیارهای ورود به مطالعه به‌این دلیل بود که اکثر انرژی طیفی هجاها مورد استفاده، در این محدوده قرار دارد. همچنین نبود سابقه بیماری‌های گوش، ضربه به سر یا تصادف،

توجه به چپ، در ۱۶/۷ درصد (۹ نفر) برتری گوش راست (با فاصله اطمینان حد پایین ۷/۴۲ و حد بالای ۹/۹۰)، ۷۹/۶ درصد (۴۳ نفر) برتری گوش چپ و ۳/۷ درصد (۲ نفر) عدم برتری گوش راست یا چپ دیده شد (نمودار ۴).

با انجام آزمون آماری آنالیز واریانس یک‌طرفه، بین مقدار شاخص برتری طرفی در سه وضعیت توجهی، اختلاف آماری معنی‌داری دیده شد ($p < 0.0001$). ادامه تحلیل با انجام آزمون آماری LSD تفاوت معنی‌داری بین شاخص برتری طرفی در کلیه حالات ممکن در سه وضعیت NF، FR و FL (شامل NF با FR، NF با FL و RF با FL) را نشان داد ($p < 0.0001$). در نمودار ۵ مقدار شاخص برتری طرفی در سه وضعیت توجهی با یکدیگر مقایسه شده است.



نمودار ۲- فراوانی برتری گوش راست، گوش چپ و عدم برتری بین دو گوش در وضعیت عدم توجه (n=۵۴)

بحث

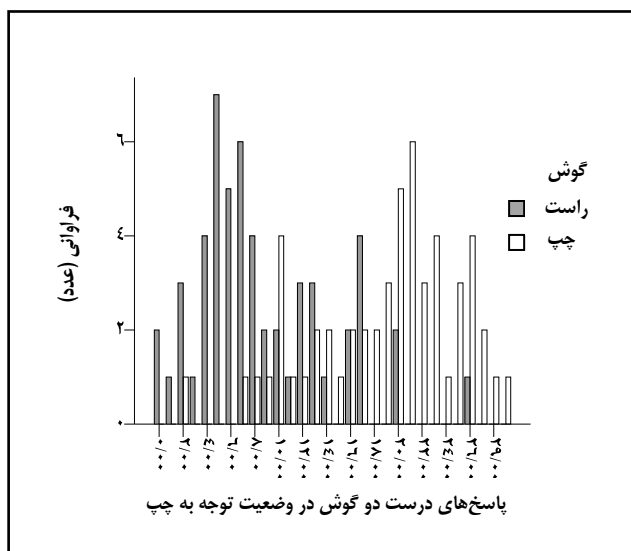
توجه مکانیزمی است که حجم یا میزان پردازش اطلاعات در مغز در زمانی معین را محدود می‌کند و کلید مغز برای انتخاب بخشی از اطلاعات و توان یادگیری است. در مطالعه حاضر بازنمایی محرک‌های تک‌هجابی با الگوی CV با ارائه دایکوتیک در سه وضعیت توجهی بدون اعمال توجه، توجه به گوش راست و توجه به گوش چپ اندازه‌گیری شد. در کل، در وضعیت NF بین افراد با پاسخ‌های درست بیشتر در گوش راست نسبت به گوش چپ تفاوت بسیار قابل توجهی وجود داشت، به طوری که در ۸۳/۳ درصد افراد برتری گوش راست، ۱۱/۱ درصد برتری گوش چپ و ۵/۶ درصد عدم برتری گوش دیده شد. این یافته با نتایج گزارش شده در این زمینه در پایگاه داده‌های آزمون دایکوتیک برگن کاملاً هم‌خوانی دارد (۱). براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که در وضعیت NF یا توجه تقسیم‌شده، نوعی گرایش به برتری دریافت محرک‌های گفتاری در گوش راست یا نیمکره زبانی مقابل آن (نیمکره چپ) وجود دارد که برتری گوش راست نامیده می‌شود.

در دو وضعیت دیگر آزمون، طی دستورالعملی از افراد خواسته می‌شد که توجه خود را بر جریان اطلاعات دریافتی از یک گوش متمرکز کنند که نوعی بررسی توجه انتخابی است. در

در کل، هر گوش در وضعیت عدم اعمال توجه، ۸۳/۳ درصد (۴۵ نفر) برتری گوش راست (با فاصله اطمینان حد پایین ۱۵/۷۵ و حد بالای ۱۸/۳۷) مشاهده شد (نمودار ۲).

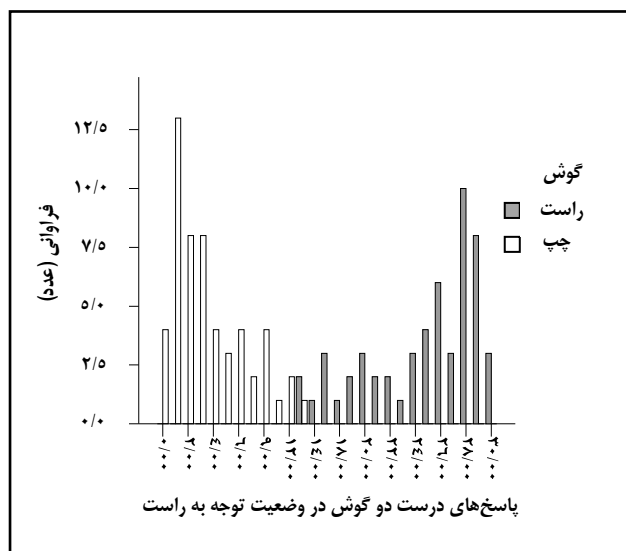
در وضعیت توجه به راست، با درخواست از نمونه‌ها برای تمرکز بر اطلاعاتی که از گوش راست دریافت می‌کنند، برتری گوش راست به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت (نمودار ۳)، و تفاوت معنی‌داری بین دو گوش به صورت فراوانی بیشتر پاسخ‌های درست در گوش راست، در مقایسه با گوش چپ، دیده شد ($p < 0.0001$). در کل، در وضعیت توجه به راست، در ۹۸/۱ درصد (۵۳ نفر) برتری گوش راست (با فاصله اطمینان حد پایین ۲۲/۵۰ و حد بالای ۲۴/۸۳) و تنها در یک نفر عدم برتری گوش‌ها دیده شد.

با درخواست از نمونه‌ها برای تمرکز بر اطلاعاتی که از گوش چپ دریافت می‌کنند، برتری گوش چپ به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت، و تفاوت معنی‌داری بین دو گوش به صورت فراوانی بیشتر پاسخ‌های درست در گوش چپ، در مقایسه با گوش راست، دیده شد ($p < 0.0001$). در کل، در وضعیت



نمودار ۴- هیستوگرام تعداد افراد به نسبت تعداد پاسخ‌های درست در وضعیت توجه به چپ، در دو گوش (n=۵۴)

خصوصیات محرک (stimulus-driven) مطرح است و جریان پردازش اطلاعات وسیع‌تر است. اما در دو وضعیت دیگر یعنی توجه انتخابی به محرک‌های یک گوش در ارائه دایکوتیک، و دخالت فرایندهای شناختی سطوح بالا در انتخاب پاسخ، نوعی پردازش اطلاعات بالا به پایین (top-down) یا مبتنی بر دستورالعمل (instruction-driven)، مطرح می‌شود و جریان پردازش اطلاعات به دلیل مکانیزم‌های تعدیلی (مهارتی) قشر مغز، محدودتر می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت اگرچه مشاهده پدیده برتری گوش راست در شنوایی دایکوتیک پدیده یا شاخص پایداری است، اما برتری گوش راست از تغییر انتخابی FR یا FL متأثر می‌شود (۱۱). در مطالعات قبلی در این زمینه نیز توانایی غلبه بر برتری گوش راست در شنوایی دایکوتیک در حین توجه پیوسته، هم با درخواست از فرد برای توجه انتخابی به یک گوش در طول ارائه کل محرک‌ها (۱۲) و هم با شنیدن محرک راهنما پیش از ارائه محرک دایکوتیک گزارش شده است (۱۳). بر این اساس، به نظر می‌رسد راهبردهای پردازشی بالا به پایین یا مبتنی بر دستورالعمل می‌تواند راهبردهای پردازشی پایین به بالا یا مبتنی بر محرک را تحت تأثیر قرار داده و تعدیل کند.

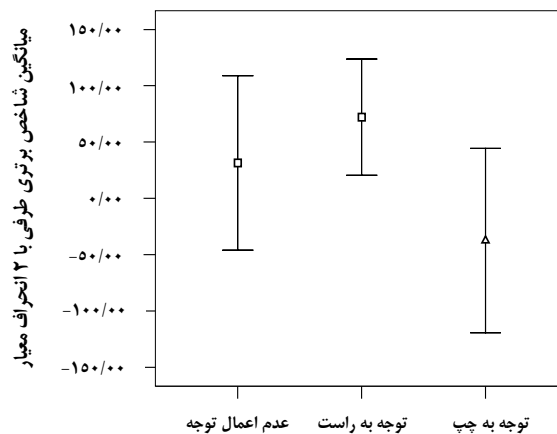


نمودار ۳- هیستوگرام تعداد افراد به نسبت تعداد پاسخ‌های درست در وضعیت توجه به راست، در دو گوش (n=۵۴)

وضعیت دوم یعنی ارائه دایکوتیک محرک‌های گفتاری و درخواست از افراد برای تمرکز بر اطلاعات دریافتی از گوش راست، تعداد پاسخ‌های درست از گوش راست، در مقایسه با وضعیت توجه تقسیم‌شده، به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش نشان داد، به طوری که ۹۸/۱ درصد برتری گوش راست، ۰/۰ درصد برتری گوش چپ و ۱/۹ درصد عدم برتری گوش راست یا چپ دیده شد. در وضعیت سوم یعنی ارائه دایکوتیک محرک‌ها و درخواست از افراد برای تمرکز توجه بر اطلاعات دریافتی از گوش چپ، تغییر بسیار قابل توجهی دیده شد و تعداد پاسخ‌های درست از گوش چپ به میزان بسیار چشمگیری افزایش نشان داد، به طوری که ۱۶/۷ درصد برتری گوش راست، ۷۹/۶ برتری گوش چپ و ۳/۷ درصد عدم برتری گوش راست یا چپ دیده شد. این یافته‌ها ضمن اینکه با مقادیر گزارش شده در پایگاه داده‌های آزمون DL برگن کاملاً مطابقت دارد (۱)، تغییر جریان پردازش محرک‌های گفتاری بر اساس دستورالعمل آزمون و به نوعی تفاوت تمرین توجه تقسیم‌شده و توجه انتخابی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر در وضعیت NF به هر یک از گوش‌ها یا توجه تقسیم‌شده، نوعی پردازش اطلاعات پایین به بالا (bottom-up) یا مبتنی بر

نیمکره راست، حدود ۱۵ میلی ثانیه کوتاه‌تر به دست آمد، درحالی بین دامنه امواج دو گوش تفاوت قابل توجهی دیده نشد. یافته‌های AEPs در این مطالعه با نتایج مطالعات مربوط به برتری طرفی نیمکره‌ها و وجود برتری گوش راست در پاسخ به محرک‌های زبانی-گفتاری هم‌خوانی داشت و نشان داد که درک گفتار فرایندی مرتبط با زمان‌بندی وقایع نورونی است. در مطالعه Hugdahl و همکاران (۱۵) نیز از توموگرافی گسیل‌های پوزیترون (positron emission tomography: PET) روش ^{15}O -PET برای ثبت تغییرات جریان خون مغزی منطقه‌ای (regional cerebral blood flow: rCBF) به‌هنگام گوش‌دادن به هجاهای با الگوی CV یا قطعات موسیقی با ارائه دایکوتیک استفاده شد. در این مطالعات به‌هنگام گوش‌دادن به محرک‌های دایکوتیک زبانی، فعالیت قابل توجهی در بخش خلفی شکنج گیجگاهی فوقانی یا مناطق زبانی کلاسیک ورنیکه و بروکا دیده شد، و به‌هنگام گوش‌دادن به قطعات دایکوتیک موسیقی نیز نوعی افزایش فعالیت در قشر ارتباطی بینایی، مخچه و هیپوکامپ دیده شد که نشان‌دهنده ناقرینگی نیمکره‌ای به‌صورت برتری نیمکره چپ نسبت به نیمکره راست در محرک‌های زبانی، و برتری نیمکره راست نسبت به نیمکره چپ در تحریکات موسیقایی است. یافته‌های این مطالعه ضمن تأیید پدیده برتری گوش راست در ارزیابی‌های رفتاری، تأثیر نوع محرک گفتاری و غیرگفتاری بر فعالیت مناطق مغزی و ناقرینگی قشری در پردازش آنها را نشان داد.

در بررسی حاضر، مقدار شاخص برتری طرفی با استفاده از فرمول ساده‌ای در هر سه وضعیت توجهی آزمون محاسبه شد. در وضعیت NF مقدار شاخص برتری طرفی $31/44+$ بود که با توجه به راست به $73/30+$ افزایش یافت و با توجه به چپ به‌میزان قابل ملاحظه‌ای به $37/50-$ کاهش یافت. این نتایج نشان‌دهنده برتری گوش راست در دو وضعیت عدم توجه و توجه به راست و برتری گوش چپ در وضعیت توجه به چپ است و با یافته‌های مطالعات قبلی در این زمینه هم‌خوانی دارد (۱)؛ ضمن این‌که تأثیر پردازش بالا به پایین یا مبتنی بر دستورالعمل و دخالت فرایندهای شناختی



نمودار ۵- مقایسه میانگین شاخص برتری طرفی در سه وضعیت توجهی مورد بررسی ($n=54$)

مشاهده برتری یا مزیت گوش راست از جنبه‌های مختلفی قابل بحث و بررسی است. از یک دیدگاه، برتری گوش راست به وجود نوعی تفاوت آناتومیک اشاره دارد، مبنی بر اینکه راه‌های عصبی دگرسویی نسبت به راه‌های عصبی همان‌سویی گسترده‌تر و وسیع‌تر هستند، و اینکه نیمکره چپ نسبت به نیمکره راست برای برتری در پردازش ورودی‌های صوتی زبانی، به‌طور خاص برنامه‌ریزی شده است. بر این اساس، محرک‌های گفتاری که به گوش راست ارائه می‌شوند سریع‌تر از محرک‌های ارائه شده به گوش چپ پردازش می‌شوند. بر پایه همین نتایج، در مطالعات گوناگون کاهش یا نبود برتری گوش راست به دنبال آسیب‌های مغزی یا اختلالات روان‌پزشکی، برای ارزیابی نقایص شناختی مورد بررسی قرار گرفته است (۱).

سازماندهی عملکردی قشر شنوایی انسان از جنبه درک گفتار و برتری طرفی زبان، علاوه بر بررسی از طریق آزمون‌های رفتاری نظیر استفاده از محرک شنوایی دایکوتیک، با استفاده از پاسخ‌های برانگیخته شنوایی (Auditory Evoked Potentials: AEPs) و روش‌های تصویربرداری عملکردی هم بررسی شده است. برای مثال، در بررسی Eichele و همکاران (۱۴) با ارائه محرک‌های آزمون DL برکن روی ۱۲ فرد هنجار داوطلب، موج N1 از قشر گیجگاهی فوقانی چپ نسبت به ناحیه مشابه در

از شش هجای با الگوی CV و با ارائه تصادفی است که در آن دو هجای متفاوت یکی به گوش راست و دیگری به گوش چپ به طور هم‌زمان ارائه می‌شود. در این آزمون طرفی‌شدگی زبان با برآورد نسبت پاسخ‌های درست از گوش راست نسبت به گوش چپ در سه وضعیت توجهی تعیین می‌شود. در وضعیت بدون اعمال توجه یا توجه تقسیم‌شده، برتری گوش راست دیده می‌شود که مقدار آن به نحو چشمگیری از توجه انتخابی به راست و چپ، در اثر دخالت پردازش بالا به پایین قشر مغز بر پردازش پایین به بالا، متأثر می‌شود.

سپاسگزاری

این مقاله حاصل بخشی از یافته‌های طرح پژوهشی مصوب دانشگاه علوم پزشکی تهران به شماره قرارداد ۱۸۹۴۵۷۲ است. از مرکز تحقیقات توانبخشی برای کمک در اجرای طرح سپاسگزاری می‌شود.

REFERENCES

- Hugdahl K. Dichotic listening in the study of auditory laterality. In: Hugdahl K, Davidson RJ, editors. The asymmetrical brain. 1st ed. Cambridge: The MIT Press; 2003. p. 441-75.
- Katz J, Medwetsky L, Burkard R, Hood L. Handbook of clinical audiology. 6th ed. Baltimore: Lippicott Williams & Wilkins; 2009.
- Hugdahl K. Dichotic listening: probing temporal lobe functional integrity. In: Davidson RJ, Hugdahl K, editors. Brain asymmetry. 1st ed. Cambridge: The MIT Press; 1995. p. 123-56.
- Holender D. Semantic activation without conscious identification in dichotic listening, parafoveal vision, and visual masking: a survey and appraisal. Behav Brain Sci. 1986;9(1):1-23.
- Tervaniemi M, Medvedev SV, Alho K, Pakhomov SV, Roudas MS, Van Zuijen TL, et al. Lateralized automatic auditory processing of phonetic versus musical information: a PET study. Hum Brain Mapp. 2000;10(2):74-9.
- Hugdahl K, Brønnick K, Kyllingsbaek S, Law I, Gade A, Paulson OB. Brain activation during dichotic presentations of consonant-vowel and musical instrument stimuli: a 15O-PET study. Neuropsychologia. 1999;37(4):431-40.
- Hugdahl K, Carlsson G. Dichotic listening and focused attention in children with hemiplegic cerebral palsy. J Clin Exp Neuropsychol. 1994;16(1):84-92.
- Hugdahl K, Wester K. Dichotic listening studies of hemispheric asymmetry in brain damaged patients. Int J Neurosci. 1992;63(1-2):17-29.
- Carlsson G, Hugdahl K, Uvebrant P, Wiklund

قشر مغز بر پردازش پایین به بالا یا مبتنی بر محرک، و تغییر جریان پردازش محرک‌های گفتاری در ارائه دایکوتیک با وجود دستورالعمل را نشان می‌دهد.

آزمون شنوایی دایکوتیک برگن که در آن از محرک‌های با الگوی CV استفاده می‌شود، آزمونی است که به طور رایج در بررسی طرفی‌شدگی زبان و توجه شنیداری، هم در تحقیقات و هم در ارزیابی بالینی، کاربرد دارد. با توجه به ساختار این آزمون و قابلیت آن در بررسی توجه مداوم و توجه انتخابی و تأثیر پردازش‌های مبتنی بر محرک (پایین به بالا) و مبتنی بر دستورالعمل (بالا به پایین)، این آزمون از قدرت تفسیر بالایی در بررسی نقایص توجه شنیداری و طرفی‌شدگی زبان برخوردار است، و با توجه به سادگی محرک آزمون امکان استفاده از آن در کلیه موارد مشکوک به اختلالات و نقایص توجهی در کودکان و بزرگسالان وجود دارد.

نتیجه‌گیری

آزمون شنوایی دایکوتیک برگن شامل سه فهرست مشکل

- LM, von Wendt L. Pathological left-handedness revisited: dichotic listening in children with left vs right congenital hemiplegia. *Neuropsychologia*. 1992;30(5):471-81.
10. Roberts RJ, Varney NR, Paulsen JS, Richardson ED. Dichotic listening and complex partial seizures. *J Clin Exp Neuropsychol*. 1990;12(4):448-58.
11. Hugdahl K, Hammar A. Test-retest reliability for the consonant-vowel syllables dichotic listening paradigm. *J Clin Exp Neuropsychol*. 1997;19(5):667-75.
12. Asbjørnsen AE, Hugdahl K. Attentional effects in dichotic listening. *Brain Lang*. 1995;49(3):189-201.
13. Mondor TA, Bryden MP. The influence of attention on the dichotic REA. *Neuropsychologia*. 1991;29(12):1179-90.
14. Eichele T, Nordby H, Rimol LM, Hugdahl K. Asymmetry of evoked potential latency to speech sounds predicts the ear advantage in dichotic listening. *Brain Res Cogn Brain Res*. 2005;24(3):405-12.
15. Hugdahl K, Law I, Kyllingsbaek S, Brønneck K, Gade A, Paulson OB. Effects of attention and dichotic listening: an 15O-PET study. *Hum Brain Mapp*. 2000;10(2):87-97.

Archive of SID

بیوست ۱- پاسخ نامه آزمون شنوایی دایکوتیک برگن

تاریخ آزمون: برتری دستی: R - L توالی آزمون: NF - FR - FL NF - FL - FR				شماره فرد مورد ارزیابی: تاریخ تولد: وضعیت آزمون: FL - FR - NF RE - LE			
کا	تا	پا	گا	دا	با	تا - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	کا - پا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	دا - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	دا - گا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	تا - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	گا - دا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	با - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	دا - با	
کا	تا	پا	گا	دا	با	کا - با	
کا	تا	پا	گا	دا	با	پا - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	تا - تا (*)	
کا	تا	پا	گا	دا	با	گا - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	پا - تا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	گا - گا (*)	
کا	تا	پا	گا	دا	با	کا - دا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	پا - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	گا - تا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	تا - گا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	تا - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	دا - با	
کا	تا	پا	گا	دا	با	پا - دا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	تا - پا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	دا - پا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	پا - گا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	تا - با	
کا	تا	پا	گا	دا	با	دا - تا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	با - گا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	پا - کا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	دا - دا (*)	
کا	تا	پا	گا	دا	با	کا - کا (*)	
کا	تا	پا	گا	دا	با	با - دا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	پا - با	
کا	تا	پا	گا	دا	با	کا - گا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	گا - پا	
کا	تا	پا	گا	دا	با	پا - پا (*)	
کا	تا	پا	گا	دا	با	با - با (*)	
کل: _____				گوش راست: _____			
درصد: _____				گوش چپ: _____			
_____				کل: _____			

هجاهای یکسان: ----- / ۶